



Meccan and Medinan in Quranic Interpretation (Position, Challenges)

Ali Nasiri

Professor, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.
Email: alinasirigilani@yahoo.com



Citation

Nasiri, A. (2025). Meccan and Medinan in Quranic Interpretation (Position, Challenges). (e735259). *Quranic Studies*, 5(15), e735259 doi: 10.22034/qs.2025.735259

10.22034/qs.2025.735259

Type of Article: Research Article

Received: 2026/01/01
Accepted: 2026/02/24

Revised: 2026/01/20
Publish Online: 2026/04/26

Abstract

The determination of whether verses and surahs of the Quran are Meccan or Medinan is one of the most fundamental topics within Quranic sciences, capable of playing a decisive role in understanding the historical, interpretative, legal (fiqh), and theological dimensions of the Quran. This topic possesses multiple facets and is a source of disagreement among scholars. This research, employing a descriptive-analytical method, seeks to examine the most important issues related to this discussion, including the criteria for classifying verses and surahs as Meccan or Medinan, critiques levied against these criteria, the sources of knowledge for identifying Meccan and Medinan verses and surahs, the causes of disagreement among scholars regarding the classification of certain verses and surahs, pathways to resolving these disagreements, and addressing some Orientalist doubts within this topic. The findings of this research indicate the existence of three key criteria – address, location, or time of revelation – in defining Meccan and Medinan verses. The latter criterion is considered reputable and defensible, and the reliability of interpretative, historical, and contextual and structural indicators in distinguishing Meccan from Medinan verses is also affirmed. Conflicting narrations, personal interpretation (ijtihad), or theological presuppositions are identified as the most important factors contributing to disagreement in classifying certain verses and surahs. Earlier scholars favored a narration-centric approach, while later scholars often utilize internal and external contextual clues as means of resolving these disagreements. The content or stylistic differences between Meccan and Medinan verses, which have been used by Orientalists to cast doubt and claim non-divine authorship of the Quran, are indicative of a gradual legislative process, a diversity of rhetorical styles, and an impact on the audience, and do not imply a human origin for the Quranic text.

Keywords

Meccan, Medinan, Orientalists, Doubt, Quranic Sciences, History of the Quran.





مکی و مدنی در تفسیر قرآن (جایگاه و چالش‌ها)

علی نصیری

استاد دانشگاه علم و صنعت.

Email: alinasirigilani@yahoo.com



استناد به این مقاله:

نصیری، علی. (۱۴۰۴). مکی و مدنی در تفسیر قرآن (جایگاه و چالش‌ها). قرآن پژوهی، ۴(۱۵)، ۷۳۵۲۵۹. doi: ۷۳۵۲۵۹e, ۲۰۲۵/۷۳۵۲۵۹/qs.۱۰/۲۲۰۳۲

10.22034/qs.2025.735259

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۲/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۵

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌های قرآن یکی از بنیادی‌ترین مباحث علوم قرآنی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را در فهم تاریخی، تفسیری، فقهی و کلامی قرآن ایفا کند. این مبحث دارای ابعاد متعدد و محل اختلاف میان اندیشمندان است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی درصدد بررسی مهم‌ترین مسائل مربوط به این بحث مانند معیارهای طبقه‌بندی مکی و مدنی و نقدهای وارد شده بر آن، منابع شناخت آیات و سوره مکی و مدنی، علل اختلاف عالمان در مکی یا مدنی شمردن برخی از آیات و سوره‌ها، راه‌برونرفت از این اختلافات و طرح برخی شبهات خاورشناسان در این مبحث و پاسخ به آنها می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از وجود سه معیار مهم یعنی خطاب، مکان یا زمان نزول آیه در تعریف مکی و مدنی، شهرت و قابل دفاع بودن معیار اخیر و منبع بودن روایات تفسیری، تاریخی و نشانه‌های محتوایی و ساختاری در شناخت مکی از مدنی است. تعارض روایات، اجتهاد شخصی یا پیش‌فرض‌های کلامی نیز مهم‌ترین عوامل اختلاف در مکی یا مدنی شمردن برخی آیات و سوره است. متقدمان رویکرد روایت‌محور و متأخران غالباً بهره‌گیری از قرائن داخلی و بیرونی را از جمله راه‌کارهای برون‌رفت از این اختلافات می‌دانند. تفاوت‌های محتوایی یا سبکی آیات مکی و مدنی که دستاویز شبهه‌افکنی مستشرقان و ادعای غیروحیانی بودن قرآن شده، حاکی از تدرج تشریع، تنوع اسلوب بلاغی و تأثیرگذاری بر مخاطب است و دلالتی بر بشری بودن متن قرآن ندارد.

واژگان کلیدی

مکی، مدنی، مستشرقان، شبهه، علوم قرآنی، تاریخ قرآن.



مقدمه

تقسیم آیات و سور قرآن به مکی و مدنی از مباحث کهن و استقرار یافته در دانش علوم قرآن است. این مبحث ابزاری برای فهم سیاق نزول آیات، تشخیص تقدم و تأخر وحی، تعیین ناسخ و منسوخ، تبیین تدریج تشریع در قرآن، فهم مرحله‌مند سیره و الگوی رفتاری نبوی و تحلیل تنوع اسلوب و خطاب است که نتایج حاصل از آن در حوزه تفسیر، فقه، بلاغت، کلام و تاریخ کاربرد تعیین‌کننده دارد. غفلت از این بحث زمینه‌ساز برداشت‌های تعارض‌محور از قرآن و دستاویزی برای ورود خلل در آیات و شبهاتی همچون غیر و حیانی بودن قرآن است. پژوهش‌های بسیاری در این باره بعد از عصر تابعان ذیل مباحثی چون نزول قرآن، اسباب النزول و ترتیب آیات و سور طرح شده که هسته اولیه آن را گزارش‌های صحابه و تابعین درباره مکان و زمان نزول آیات تشکیل می‌داد. در سده‌های بعدی نیز دانشمندانی چون زرکشی در البرهان فی علوم القرآن و سیوطی در الإیتقان فی علوم القرآن، به این مبحث عنایت ویژه داشته، مسائلی چون معیارهای تشخیص مکی و مدنی و رویکرد روایات‌محور در موارد اختلاف را مطرح نموده‌اند. در دوره معاصر پژوهش‌هایی با رویکرد تاریخی و روش‌شناختی به بازخوانی بحث مکی و مدنی پرداخته، بر نقش قرائن درون‌متنی و ضرورت تلفیق داده‌های تاریخی و محتوایی و وجود محدودیت در روایات تأکید کرده‌اند. همزمان برخی از خاورشناسان نیز با تکیه بر تفاوت‌های آیات مکی و مدنی در سبک و محتوا مدعی بشری بودن متن قرآن شدند که واکنش پژوهشگران مسلمان را به دنبال داشته است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی درصدد بازخوانی و تحلیل ابعاد محل اختلاف این مبحث همچون معیارها و منابع شناخت مکی و مدنی، تبیین علل اختلاف و ارائه راهکارهای برون‌رفت از آنها همراه با شواهد و تطبیق مثال‌های متعدد و همچنین طرح برخی از شبهه‌های خاورشناسان و پاسخ به آنها است.

۱. مفهوم‌شناسی

مکی و مدنی، وصفی برای سوره‌های نازل‌شده به اعتبار زمان، مکان یا مخاطب آن. «مکی» یعنی منسوب به مکه و «مدنی» به معنای منسوب به مدینه است و در اصطلاح

علوم قرآنی بنا به تعریف مشهور، مکی نامی برای مجموعه سوره‌ها و آیاتی از قرآن است که پیش از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه، بر آن حضرت ﷺ نازل شده و مدنی نام سوره‌ها و آیاتی است که پس از هجرت فرو فرستاده شده‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۵/ زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۷). در مقابل دیدگاه مشهور، تعریف‌های دیگری نیز گزارش شده است.

۲. پیشینه (سیر تاریخی بحث مکی و مدنی)

در قرآن به صورت مستقیم از مکی یا مدنی بودن آیات یا سوره‌ها سخنی به میان نیامده است؛ هرچند از هماوایی آیات و سوره‌ها با وضعیت و مقتضیات محیط مکه یا مدینه و مضامین و چگونگی ساختار آنها می‌توان مؤیداتی بر مکی یا مدنی بودن سوره‌ها به دست آورد؛ برای مثال آیات ۹۴-۹۵ سوره حجر، شاهد بر مکی بودن سوره و آیات ۱۰۷-۱۰۸ سوره توبه، مؤید مدنی بودن آن است.

برخی از صاحب نظران بر این باورند که اصطلاح مکی و مدنی را شخص پیامبر ﷺ بیان نکرده است، بلکه بعدها قرآن پژوهان، آن را به اقتضای نیاز، پدید آورده‌اند (حکیم، ۱۴۱۷، ص ۷۴-۷۵/ ر.ک: عطار، ۱۴۱۵، ص ۱۳۹-۱۴۸)؛ در این باره، گروهی نیز مورد نیاز نبودن این موضوع در میان مسلمانان عصر نزول را دلیل سکوت آن حضرت ﷺ در این باره دانسته‌اند (ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸/ حسین احمد، ۱۴۲۰، ص ۱۲۸)؛ چراکه مدنی و مکی بودن سوره‌ها برای آنها ملموس و روشن بود؛ حتی برخی معتقدند صحابه و تابعان از آنجا که شناخت مکی و مدنی را جزء فرایض دینی نمی‌دانستند، انگیزه‌ای برای تبیین آن نداشتند (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۲).

با توجه به برخی شواهد و قرائن تاریخی و روایی، ادعای پیش گفته مورد تردید قرار می‌گیرد؛ چنان‌که در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ بر تقسیم قرآن به مکی و مدنی تصریح شده و ایشان فرموده‌اند که قرآن در سه مکان فرود آمده است: مکه، مدینه و شام (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۷۱/ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۶۵/ ابن کثیر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۵۷)؛ البته برخی شام را بیت المقدس و گروهی دیگر تبوک دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۵)؛ برخی از صحابه

نیز همچون اُبی بن کعب و عبداللّه بن عباس، و گروهی از تابعان مانند مجاهد بن جبیر، علی بن طلحه و عکرمه، به تفصیل سوره‌های مکی و مدنی را بر شمرده‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۸-۴۳)؛ همچنین در روایتی، هنگامی که ابوحنیفه خطاب به امام باقر علیه السلام آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره معارج را ناظر به تحریم متعه دانست، آن حضرت علیه السلام در پاسخ به وی فرمودند که سوره معارج، مکی و آیه متعه (نساء: ۲۴)، مدنی است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۴۵۰/ فیض کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۴۰)؛ بر اساس این روایت، امام علیه السلام افزون بر اینکه مکی بودن سوره معارج و مدنی بودن سوره نساء را تبیین کرد، روشن ساخت که آیه‌ای از سوره مکی نمی‌تواند ناسخ سوره مدنی باشد.

پس از عصر تابعان، رفته‌رفته کتاب‌هایی درباره مکی و مدنی بودن آیات و سوره‌ها نگاشته شد؛ چنان‌که آثاری را با نام «نزل القرآن»، به ضحاک بن مزاحم (م. ۱۰۴ق)، عکرمه (م. ۱۰۵ق) و حسن بصری (م. ۱۱۰ق) نسبت داده‌اند. در این زمینه عمده‌ترین آثار مربوط به قدما عبارت‌اند از: تنزیل القرآن بمکه والمدینه، نوشته ابن شهاب زهری (م. ۱۲۴ق)؛ التنزیل من القرآن، اثر ابن فضال کوفی (م. ۲۲۴ق) (بغدادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۸۳)؛ فضائل القرآن وما انزل من القرآن بمکه وما انزل بالمدینه، تألیف محمد بن ایوب بن ضریس بجلی (م. ۲۹۴ق)؛ بیان عدد سور القرآن وآياته وکلماته ومکیه و مدنیه، اثر ابن عبدالکافی (م. ۴۰۰ق)؛ تنزیل القرآن، نوشته عبدالرحمن بن محمد (م. ۴۰۳ق) (حسین احمد، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۸-۶۹)؛ التنزیل وترتیبه، تألیف حسن بن محمد نیشابوری (م. ۴۰۶ق)؛ المکی والمدنی، تألیف مکی بن ابی طالب قیسی (م. ۴۳۷ق)؛ المکی والمدنی فی القرآن، اثر محمد بن شریح رعینی (م. ۴۷۶ق) (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۷۳ «پانوش»؛ یتیمه الدّر فی النزول وآیات السور، نوشته محمد بن احمد موصلی (م. ۶۵۶ق) و کتاب منظومه فی المکی و المدنی، نگارش برهان‌الدین ابراهیم بن عمر جعبری (م. ۷۳۲ق) (حسین احمد، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۷۶).

در سده‌های پس از آن نیز برخی از پژوهشگران، همچون زرکشی (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۷-۲۱۰) و سیوطی (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۴-۷۲) باب‌های مستقلی را با عنوان «معرفه المکی و المدنی» در کتاب‌های خود به این موضوع

اختصاص داده‌اند؛ همچنین از سده چهاردهم تاکنون در بسیاری از آثار جامع و مستقل نگارش یافته درباره علوم قرآن؛ مانند مناهل العرفان، اثر زرقانی (ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۶۵)، التمهید فی علوم القرآن، تألیف معرفت (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۲-۲۵۴) و نیز تک‌نگاری‌های علوم یا تاریخ قرآنی، همچون تاریخ القرآن، نگارش زنجانی (ر.ک: زنجانی، ۱۴۰۴، ص ۶۲-۶۴)، تاریخ قرآن، اثر رامیار (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۱-۶۲۴) و تاریخ القرآن، نوشته صغیر (ر.ک: صغیر، الف، ۱۴۲۰، ص ۴۶-۶۲)، به گونه‌ای گسترده‌تر و با نگرشی نو به این بحث پرداخته شده است (ر.ک: حجتی، ۱۳۶۸، ص ۷۳-۸۲/ عطار، ۱۴۱۵، ص ۱۳۹-۱۴۹)؛ افزون‌براین عبدالرزاق حسین احمد نیز به صورت اختصاصی اثری با نام المکی و المدنی فی القرآن الکریم نگاشته است.

از میان تفسیرهای قرآن نیز برخی از آثاری که اهتمام بیشتری به این موضوع داشته‌اند، عبارت‌اند از: التبیان، نوشته شیخ طوسی؛ مجمع البیان، اثر طبرسی؛ محاسن التأویل، نوشته قاسمی؛ المنار، نگارش رشیدرضا؛ فی ظلال القرآن، تألیف سیدقطب؛ التحریر والتنویر، نوشته ابن عاشور؛ التفسیر الحدیث، اثر دروزه و المیزان، تألیف علامه طباطبائی.

۳. تفاوت رویکرد مطالعاتی متقدمان و متأخران در مسئله مکی و مدنی

عمده‌ترین مطالعات صورت گرفته از سوی متقدمان درباره مکی و مدنی بودن سوره‌ها را می‌توان در سه حوزه دسته‌بندی نمود:

۱. بازگویی و گزارش سخنان صحابه و تابعان؛ ۲. کوشش برای زدودن تعارض بین روایات مربوط به این باب؛ ۳. گسترش معیارهای قیاسی در سامان‌دهی آیات مکی و مدنی.
۲. پژوهشگران معاصر بیش از آنکه به گزارش این روایات توجه نشان دهند، به رابطه بین مدلول آیات با واقعیت‌های تاریخی در دو دوره مکی و مدنی پرداخته‌اند؛ آنان پذیرفته‌اند که اسلوب و محتوای قرآن، همراه با دگرگونی وضعیت فکری - فرهنگی، تغییر یافته است؛ همچنین متأخران در نقد احادیث متعارض نیز به معیارهای ترجیح روایتی بر روایت دیگر یا پذیرش دو بار نزول در صورت وجودداشتن ترجیح، توجه چندانی نشان نداده و بیشتر بر

سازگاری متن با واقعیت تأکید دارند (ر.ک: ابوزید، ۲۰۰۰، ص ۹۰-۹۲).

از دیگر مواردی که دانشمندان متأخر به نقد آن پرداخته‌اند، آیات استثناست؛ برای قرآن‌پژوهان پیشین، پذیرش یک یا چند آیه مکی در ضمن سوره‌های مدنی یا بالعکس به‌نسبت، آسان بود، اما متأخران، به بیشتر این موارد با دیده تردید نگریسته و به دفاع از همگونی آیات یک سوره به لحاظ مکی یا مدنی بودن پرداخته‌اند (شاکر، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶).

در یک نگاه کلی، عالمان مسلمان بر این نکته تأکید می‌کنند که قرآن کتابی جهانی و جاودانی بوده در زمان و مکانی خاص محصور نیست (← مقاله جاودانگی و جهانی بودن قرآن) و اگر برخی آیات در مکه و برخی در مدینه یا پیش و پس از هجرت فرود آمده‌اند، تنها بیانگر ظرف زمانی و مکانی نزول آیات است و دخالتی در حقایق فرازمانی و فرامکانی قرآن ندارد؛ البته در مقابل اجماع مسلمانان، برخی دیدگاه‌های استثنا نیز وجود دارد (← مقاله‌های اهداف قرآن؛ تفسیر تنزیلی)؛ مانند نظریات محمود محمد طه، دانشمند سودانی که آیات مکی را بسیار جامع‌تر دانسته و آیات مدنی را تنها بازتاب بایسته‌های زمانی معرفی می‌کند که پیامبر ﷺ می‌کوشید جامعه خود را در وضعیت تبعید، یکپارچه نگه دارد و همین که آن حضرت به مکه بازگشت، باید آیات مدنی را مردود دانست (Leaman, 2006, p.400) و تنها بر آیات مکی تکیه کرد (Hunwick, 2006, 1, pp.34-35/ Neuwirth, Froms and Structures of the Quran, 2006, 2, pp.245-175; Idem, 2006, 4, pp.172-266).

خاورشناسان از سال‌های میانی سده نوزدهم به بررسی تاریخ قرآن ازجمله شناخت مکی و مدنی و تبیین سیر نزولی آیات پرداختند (بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۲۷۳)؛ دراین میان بیشترین اهتمام آنان معطوف نشانه‌های درونی، چه ساختاری و چه محتوایی بوده است تا روایات ترتیب نزول؛ همچنین ازجمله اقدامات خاورشناسان، طبقه‌بندی سوره‌های قرآن و تبیین سیر تحول نزول آیات است (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۲۱-۶۲۲/ صغیر، ب، ۱۴۲۰، ص ۲۲-۳۱/ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۱-۱۰) ← مقاله تاریخ‌گذاری قرآن؛ البته برخی از آنان همچون گریم، جایگاهی ویژه برای سنت قائل بوده و در ترتیب سوره‌ها بر روایات و اسانید اسلامی تکیه کرده‌اند، گریم کوشید تا بدون قطع ارتباط سوره‌ها با روایات، آنها را یک‌بار دیگر طبقه‌بندی کند؛ همچنین در دوره

بعد، هرشفلد، وقایع‌نگاری و تاریخ‌گذاری حوادث را در درجه دوم کار خود قرار داد و بیشتر سوره‌ها را بنا بر مطالب و محتویات آن تقسیم‌بندی کرد (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶) ← مقاله‌های ترتیب نزول سوره‌ها؛ تاریخ‌گذاری قرآن).

۴. معیارهای طبقه‌بندی آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی

در تمام آثار مرتبط از سه ملاک: «خطابی»، «مکانی» و «زمانی» برای تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی سخن به میان آمده است (ر.ک: صالح، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸).

۱. معیار خطابی: مقصود از معیار خطابی - که گاه به آن معیار شخص یا اشخاص نیز گفته شده (همان / عطار، ۱۴۱۵، ص ۱۴۳) - این است که چنانچه سوره‌ای خطاب به اهالی مکه باشد، سوره مکی و چنانچه خطاب به شهروندان مدینه باشد، مدنی خواهد بود (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۵-۳۸ / حکیم، ۱۴۱۷، ص ۷۳)؛ معیار مزبور از این جهت که به‌ندرت در آیات و سوره‌های قرآن به‌طور صریح و روشن، اهل مکه یا مدینه مورد خطاب قرار می‌گیرند، با انتقادهایی روبه‌رو شده است؛ برای مثال سوره قریش را به دلیل اشاره به سفرهای تجاری تابستانی و زمستانی قریشی‌ها: «رَحَلَهُ الشَّاءُ وَالصَّيْفِ» (قریش: ۲)، ناظر به اهل مکه و مکی دانسته‌اند یا سوره منافقون را به سبب ذکر شهر مدینه از زبان عبدالله بن ابی: «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ» (منافقون: ۸)، مربوط به اهل مدینه و مدنی برشمرده‌اند، اما این امر، غیر از توجه خطاب به آنان است؛ همچنین، گروهی نیز با گسترش دامنه خطاب، خطاب به «ایها الناس» و «بنی آدم» را نشان مکی بودن سوره و خطاب به «یا ایها الذین آمنوا» را نشانگر مدنی بودن آن دانسته‌اند (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۱ / سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۵).

معیار خطابی از جهاتی با چالش روبه‌روست: جهت نخست، جامع و مانع نبودن آن است؛ زیرا در سوره‌هایی مانند حج - که جزو سوره‌های مکی است - در آیه ۷۷ به «مؤمنان» خطاب شده و در سوره‌هایی همچون بقره (بقره: ۲۱)، آل عمران (آل عمران: ۶۸، ۹۷ و ۱۷۳) و نساء (نساء: ۱، ۱۳۳ و ۱۷۰) که مدنی هستند، خطاب به‌عنوان «ناس» آمده است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۵)؛ حتی نسبت به موارد تعیین‌کننده‌تری مانند خطاب به «اهل کتاب» یا

«منافقان» - که به ظاهر وجود پدیده اهل کتاب و منافقان در دوره رسالت مکه منتفی بوده است - در انعکاس نیافتن این گونه خطاب‌ها در سوره‌های مکی تشکیک شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۹۰-۹۱)؛ جهت دوم، وجودنداشتن خطاب‌های یادشده در بسیاری از سوره‌های قرآنی است که در این صورت با پذیرش معیار موردنظر، مکی یا مدنی بودن آنها مشخص نخواهد بود (عطار، ۱۴۱۵، ص ۱۴۱-۱۴۲).

با توجه به اشکال‌های یادشده، بسیاری از صاحب‌نظران از خطاب‌های مزبور تنها به‌عنوان یکی از نشانه‌های تشخیص سوره‌های مکی از مدنی یاد کرده‌اند (ر.ک. سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۵/رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۶/حجتی، ۱۳۶۸، ص ۷۷-۷۸).

۲. معیار مکانی: بر اساس این معیار، آیات و سوره‌هایی که در مکه و پیرامون آن، هرچند پس از هجرت نازل شده، مکی و آن دسته که در مدینه و پیرامون آن نازل شده، مدنی است؛ این ملاک نیز با نقدهایی روبه‌روست؛ زیرا تکلیف آیه‌ها و سوره‌هایی که در مکان‌هایی جز مکه و مدینه نازل شده‌اند، روشن نخواهد شد؛ مگر آنکه قسم سوم با عنوان «نه مکی و نه مدنی» به آن افزوده شود؛ برای مثال با پذیرش معیار مکانی، آیه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدٌ إِلَىٰ مَعَادٍ» (قصص: ۸۵) که در جحفه در سفر هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۷/سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۳) و آیه «وَسَلِّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (زخرف: ۴۵) که در شب معراج در بیت‌المقدس نازل شده‌اند (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۷/سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۳)، از گروه سوم؛ یعنی «نه مکی و نه مدنی» به‌شمار خواهند آمد، درحالی‌که چنین اصطلاحی مورد پذیرش قرار نگرفته است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۳).

۳. معیار زمانی: برابر این معیار، هجرت پیامبر اکرم ﷺ از مکه به مدینه در سال سیزدهم بعثت به‌عنوان حدّ فاصل آیات و سوره‌های مکی و مدنی خواهد بود؛ بدین ترتیب، تمام آیه‌ها و سوره‌هایی که پیش از هجرت در مکه یا در جای دیگر نازل شده، مکی و تمام آیات و سوره‌هایی که پس از هجرت در مدینه، مکه یا هر جای دیگر فرود آمده، مدنی خواهند بود؛ برابر معیار یادشده، آنچه در مکه و در راه مدینه - پیش از رسیدن پیامبر ﷺ به مدینه - نازل گردید، مکی و آنچه در سفرهای پیامبر ﷺ - پس از رسیدن به مدینه - فرو فرستاده شد، مدنی

است (حجتی، ۱۳۶۸، ص ۷۵)، هرچند در مکه یا مکانی جز مدینه نازل شده باشد. پژوهشگران در بسیاری از منابع علوم قرآنی، افزون بر مشهورتر دانستن معیار زمانی، از جامعیت و مانعیت آن نیز دفاع کرده‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹/ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۵/ زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۷)؛ همچنین از نگاه برخی، با توجه به اینکه در سده‌های متمادی، معیار زمانی، ملاک تقسیم مکی و مدنی بوده است، معیار یادشده، معیاری بدیهی بوده و تردیدی در آن نیست (صالح، ۱۳۷۹، ص ۱۶۹).

۵. منابع شناخت سوره‌های مکی و مدنی

اندیشمندان برای شناسایی سوره‌های مکی و مدنی از منابع گوناگونی بهره جسته‌اند:

۵-۱. روایات و شواهد تاریخی

درباره میزان اعتبار روایات مربوط به چگونگی بازشناسی آیات مکی از مدنی و نقش آنها در این زمینه در بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد؛ در این میان برخی با پذیرش روایات، راویان آنها را در زمره افراد موثق دانسته (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۴/ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۲) و استناد به روایات مستفیضه را محکم‌ترین راه بازشناسی آیات مکی از مدنی برشمرده‌اند (امینی، ۱۳۹۷، ج ۳، ص ۱۶۹-۱۷۰)؛ گروهی نیز تنها راه شناخت را روایات صحیح می‌دانند (ر.ک: صالح، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸)، اما از دیگر سو گروهی، ضمن ناکارآمد دانستن روایات، به دلیل تعارض آنها با یکدیگر، تنها راه شناخت را تدبر در سیاق آیات و یاری جستن از قراین و نشانه‌های داخلی و خارجی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۱۸۴)؛ هرچند ایشان خود نیز به تکرار در آغاز سوره‌ها به این روایات استناد جسته و روایت صحیح را قابل اعتماد برشمرده‌اند (ر.ک: همو، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۸۵)؛ برای مثال در نقد دیدگاهی که برخی از آیات سوره انعام را مدنی می‌داند، به روایاتی استناد شده که در آنها از نزول یکباره این سوره در مکه سخن به میان آمده است (همان، ج ۷، ص ۵).

روایات مکی و مدنی از نظر چگونگی تبیین به چهار دسته تقسیم شده‌اند:

۱-۱. روایاتی که به طور جامع، فهرست سوره‌های مکی و مدنی را ارائه داده و نمایه کامل یا نیمه‌کاملی از سوره‌ها در آن آمده است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۷-۴۲؛ ← مقاله جدول ترتیب نزول سوره‌ها).

۲-۱. روایاتی که به صورت محدود به تبیین مکی و مدنی بودن یک یا چند سوره یا آیه پرداخته‌اند؛ نوع روایاتی که مفسران در آغاز هر سوره ارائه کرده‌اند، از این دسته به‌شمار می‌روند (ر.ک: واحدی، ۱۳۸۳، ص ۱۲-۵۰۴/حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱ و ۲، صص ۵، ۴۸۸ و ۵۸۴/ابن عاشور، [بی تا]، ج ۱، صص ۱۳۴ و ۱۹۹-۲۰۰).

۳-۱. روایات اسباب نزول (ر.ک: واحدی، ۱۳۸۳، ص ۱۲-۵۰۴/حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱ و ۲، صص ۲۱، ۴۸۸ و ۵۸۴/عنایه، ۱۴۱۱، ج ۹، ص ۴۲۵/حیدر، ۱۴۲۷، ص ۱۳-۱۱۴) که در آن به مکی یا مدنی بودن سوره اشاره شده است؛ برای مثال برخی در تأیید مدنی بودن سوره مطففین به این روایت استناد کرده‌اند که پیامبر ﷺ هنگامی که به مدینه رفت، فرهنگ کم‌فروشی در معاملات مردم رواج داشت؛ از این رو سوره مطففین نازل شد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۵)؛ هرچند در درستی برخی از این روایات؛ مانند روایت یادشده، تردیدهایی وجود دارد (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۲۴۲-۲۴۳).

۴-۱. روایاتی که به طور غیر مستقیم، بیانگر مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها هستند؛ برای مثال در اثبات مدنی بودن سوره جمعه به روایتی از ابوهریره استناد شده که مدعی است، خود ناظر نزول سوره جمعه بوده؛ زیرا در مدینه اسلام آورد (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۴).

قراین و شواهد تاریخی: افزون بر روایات یادشده در مواردی از راه قراین و شواهد تاریخی نیز مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها تقویت یا تضعیف می‌شود؛ برای مثال در برابر کسانی که می‌کوشند برای غیر مرتبط دانستن آیات میانی سوره انسان: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (ر.ک: انسان: ۸ و ۱۲) با اهل بیت علیهم‌السلام، این سوره را مکی قلمداد کنند (ر.ک: سیوطی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۹۷)، به وجود کلمه «اسیرا» در این آیه استناد شده که با توجه به وجود اسیران مشرک در سال‌های پس از هجرت، ناظر به دوران مدینه است؛ زیرا در مکه، جنگی رخ نداده و در پی آن مفهوم «اسارت» تحقق نیافته بود (ر.ک: فخررازی، ۱۴۱۳، ج ۳۰، صص ۲۴۳-۲۴۵/آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۹، صص ۱۵۵-۱۵۶).

همچنین در نقد دیدگاهی که مقصود از گواهی صاحبان علم کتاب در سوره رعد: «فُلْکَی بِاللّٰهِ شَهِدَاۤیْنِی وَبَیِّنْکُمْ مِّنْ عِنْدُهُ عِلْمُ الْکِتَابِ» (رعد: ۴۳) را «اهل کتاب» می‌انگارد، چنین بیان شده است که این سوره مکی بوده و «اهل کتاب» در مکه اسلام نیاورده بودند تا آیه مزبور ناظر به آنان باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۸۵)؛ همچنان‌که ادعای مکی بودن سوره کهف با این مطلب که پرسش‌گران مورد نظر در آیه ۸۵، یهود مدینه بوده‌اند و آیه در این شهر نازل شده، ناسازگار است (همان، ج ۱۳، ص ۲۱۲).

۵-۲. نشانه‌های محتوایی

این نشانه‌ها در بردارنده مواردی چون سیاق و مقارنه آیات با یکدیگر، وجود پدیده‌های اجتماعی ویژه و بازتاب عقاید و اخلاق در سوره‌های مکی و احکام شریعت در سوره‌های مدنی است.

۵-۲-۱. سیاق و مقارنه آیات

از تطبیق برخی آیات می‌توان به مکی یا مدنی بودن سوره یا آیه دست یافت؛ برای مثال سوره فاتحه مکی دانسته شده است؛ زیرا در سوره حجر که خود مکی به‌شمار می‌رود از نزول آن با عنوان «سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِ» (حجر: ۸۷) یاد شده است که به اذعان بیشتر مفسران، مقصود از آن، سوره فاتحه می‌باشد (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۷۷/ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۴، ص ۷۶-۷۷/ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۵۲) که به دلیل تکرار در نمازها و برخورداری از هفت آیه با این ویژگی نام برده شده و به دلیل داشتن جامعیت، عدل و همسنگ قرآن معرفی شده است (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۵۴-۵۵/ فیض کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۲۰/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۹۱-۱۹۲)؛ همچنین اشاره به شهر مکه در نخستین آیه سوره بلد: «لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ» از قرینه‌های مکی بودن آن به‌شمار آمده است؛ زیرا به اذعان مفسران، مقصود از «بلد»، «مکه» بوده و چنین خطابی با حضور پیامبر ﷺ در مکه سازگار است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۲/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۱۹).

۵-۲-۲. وجود طبقات یا پدیده‌های اجتماعی خاص

گرچه خطاب‌هایی چون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» به‌طور قطع نشانگر مکی یا مدنی بودن سوره‌ها نبود، اما وجود طبقات اجتماعی خاصی؛ مانند اهل کتاب و منافقان در مدینه و مشرکان و کافران در مکه و نیز وجود احکام فقهی حقوقی مرتبط با پدیده‌های اجتماعی مثل جهاد، زکات، معاهدات سیاسی و نظامی را می‌توان شواهدی بر مکی و مدنی بودن سوره‌ها دانست (زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۷/رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۸-۶۰۹)؛ نشانه‌های محتوایی دیگری نیز در این باره وجود دارد؛ مانند آیاتی با محتوای پیش‌گویی از آینده در سوره‌های مکی (Leemhuis, 2006, 1, p.112) یا وجود مفهوم کفر در آیات مکی و ارتداد در آیات مدنی (Hallaq, 2006, 1, p.119) و نیز مفاهیم مربوط به تشویق به جهاد (Adang, 2006, 1, p.225) و آغازشدن آیه با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» که از ویژگی‌های سوره‌های مدنی است (Adang, 2006, 1, p.219).

۵-۲-۳. بازتاب عقاید و اخلاق یا احکام و شریعت

نظر به اینکه بیشتر فعالیت‌های دینی مسلمانان در مکه جنبه فردی داشته و شرایط انجام وظایف دینی به‌صورت جمعی، همچون نمازهای عید فطر و قربان، جمعه، زکات و به‌ویژه جهاد در مکه وجود نداشت، بنابراین از این احکام در سوره‌های مکی سخنی به‌میان نیامده یا اشاره به آنها به‌مواردی بسیار محدود منحصر شده است، اما در سوره‌های مدنی، عکس این قضیه صادق است.

ازسوی دیگر حاکمیت کفر و شرک در مکه و ضرورت دعوت به اصول، پیش از فروع، اقتضا داشت تا در سوره‌های مکی به جای اهتمام به تشریع، بیشتر به مبانی اعتقادی و مباحث اخلاقی پرداخته شود (ابوزهرة، ۱۳۷۰، ص ۴۱-۴۲)؛ چنان‌که مقتضیات محیط مکه، عتاب سخت به شرک و بت‌پرستی یا گفتگو درباره عادت‌ها و آداب زشت جاهلی، همچون زنده‌به‌گورنمودن دختران را ضروری می‌کرد (ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۷)؛ درمقابل، سوره‌های مدنی به مجادله با اهل کتاب و دعوت آنها به نداشتن تعصب و غلو در دینشان

پرداخته؛ چنان‌که می‌توان در سوره‌های بقره، آل‌عمران، نساء، مائده و توبه این ویژگی را مشاهده نمود (حجتی، ۱۳۶۸، ص ۸۰ / p.398, 2006, Leaman).

۵-۳. نشانه‌های ساختاری

ساختار کلام و آیات قرآن نشانه‌ای دیگر برای بازشناسی آیات مکی از مدنی است؛ برای مثال آنچه درباره رونق شعر و شاعری نقل شده، بیشتر مربوط به مردم مکه است؛ آنان بر عکس مردم مدینه، بیشتر مجذوب زیبایی سخن و آرایه‌های کلامی بوده‌اند؛ از این رو اقتضا داشت که در آیه‌ها و سوره‌های مکی بر اسلوب‌های ساختاری و نظم‌آهنگ سخن بیشتر تأکید شود، درحالی‌که رعایت این اصل در آیات و سوره‌های مدنی، ضرورت کمتری داشت؛ نشانه‌های ساختاری متأثر از این اصل در چند محور قابل ارائه است:

۵-۳-۱. وجود نظم‌آهنگ خاص در سوره‌های مکی

این امر، پدیده‌ای است که با رعایت عناصری مانند گزینش واژه‌های متوازن و متجانس، چینش تأثیرگذار، سجع و فاصله و... تحقق یافته (ابوزهره، ۱۳۷۰، ص ۱۲۲) و به‌صورتی کاملاً آشکار و بارز در سوره‌های مکی نسبت به سوره‌های مدنی رعایت شده است؛ برای مثال نظم‌آهنگ در آیات سوره تکویر (ر.ک: تکویر: ۱ و ۴) یا سوره عبس (ر.ک: عبس: ۱۷ و ۲۰) کاملاً مشهود است؛ آنچه از تأثیرپذیری مخاطبان این بخش از آیات و سوره‌ها در مکه - به‌رغم تلاش‌های بی‌وقفه مشرکان مکه برای جلوگیری از گوش فرادادن به آیات قرآن - گزارش شده، همه از وجود این پدیده در آیه‌ها و سوره‌های مکی حکایت دارد (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۱۹۹-۲۰۹)؛ البته اینچنین نیست که نظم و آهنگین یادشده به‌طورکلی در آیات و سوره‌های مدنی به چشم نیاید؛ برای نمونه در آیه پنجم سوره تحریم: «مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَائِلَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ» (تحریم: ۵) کاملاً وزن شعری با آهنگ «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن» لحاظ شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۱۶۶).

۵-۳-۲. کوتاهی آیات در سوره‌های مکی

(ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۱/بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۱۵/حکیم، ۱۴۱۷، ص ۷۷) رعایت حال مخاطبان در مکه، کوتاه‌بودن آیات را اقتضا داشت؛ زیرا مردم مکه با دانش نگارش، کمتر آشنایی داشته و بیشتر به حافظه خود تکیه می‌کردند؛ ازاین‌رو حفظ و به‌خاطر سپاری آیات کوتاه آسان‌تر بود (شاکر، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵)؛ چنان‌که رویکرد آیات مدنی به‌بعد تشریعی و نیازنداشتن به آرایه‌های کلامی، بلندی آیات را اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. هرچند این ویژگی، ناظر به همه موارد نیست؛ زیرا میان آیات برخی از سوره‌های مکی مانند ملک، قلم، حاقه و معارج، با آیات سوره‌های مدنی همچون محمد، فتح و حجرات از نظر کوتاهی و بلندی، تفاوت قابل توجهی دیده نمی‌شود.

۵-۳-۳. استعمال واژه «کَلَّا» در سوره‌های مکی

این واژه که به معنای ردع و عتاب است، ازسوی برخی از قرآن‌پژوهان به‌عنوان یکی از نشانه‌های سوره‌های مکی شناخته شده (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۵) و ناظر به اسلوب سوره‌هاست؛ واژه مزبور جز در نیمه دوم قرآن، بر اساس مصحف رسمی، در موارد دیگر به چشم نمی‌خورد (ر.ک: زرکشی، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۲/سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۶/زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۸).

۵-۳-۴. وجود حروف مقطعه در آغاز سوره‌های مکی

این حروف همچون یکی دیگر از نشانه‌های سوره‌های مکی معرفی شده‌اند؛ گرچه در برخی از سوره‌های مدنی، همچون بقره، آل عمران و شاید رعد، این استثنا وجود دارد (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۸/زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۸).

۵-۳-۵. استعمال سوگند و آیات دارای سجده در سوره‌های مکی

این امر نیز که با اسلوب‌های اعراب سازگار است، از نشانه‌های سوره‌های مکی به‌شمار می‌رود (حجتی، ۱۳۶۸، ص ۷۹)؛ همچنین هر سوره‌ای که در آن سجده وجود دارد، مکی قلمداد شده است (سیوطی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۶/زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۸).

۵-۴. روش میدانی

برخی با ابتکار روشی در شناخت سوره‌های مکی و مدنی و اندازه‌گیری طول متوسط و طول غالب و ارتفاع کلمات، آیات و سوره‌های قرآن، معتقدند چنانچه طول متوسط همه سوره‌ها اندازه‌گیری شود ترتیب هر سوره تعیین شده و مقدم و مؤخر بودن هر سوره نسبت به دیگری مشخص می‌شود: هرچه طول متوسط سوره‌ها کم باشد، دلیل مکی بودن آن و هرچه بیشتر باشد حاکی از مدنی بودن آن است؛ برای مثال با اندازه‌گیری طول متوسط سه سوره هُمَزَه، طه، و مائده می‌توان دریافت که «هُمَزَه» به سال نخست و دوم بعثت، «طه» چهارم و پنجم بعثت و «مائده» به اواخر هجرت تعلق دارد (ر.ک: بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۴۱-۳۹).

ایرادهای تاریخی و غیرتاریخی بسیاری بر این دیدگاه وارد شده است؛ از جمله ایرادهای تاریخی، ادعای مکی بودن سوره دهر و نزول آن در سال پنجم بعثت است که بنا بر مستندات تردیدناپذیر تاریخی در مدینه و درباره اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است (همان، ۴۳)؛ همچنین از نمونه ایرادهای غیرتاریخی، عدد آیات برخی از سوره‌هاست که برخی برای تطبیق با نظریه خویش، شمار آنها را تغییر داده‌اند و برای مثال سه آیه سوره نصر را یک آیه (همان، ۱۱۳) و آیه نخست سوره علق را سه آیه دانسته‌اند (همان، ۱۱۱) ← مقاله‌های تاریخ‌گذاری قرآن؛ تفسیر تنزیلی).

۶. ادله اختلاف در مکی و مدنی بودن برخی سوره‌ها و آیات

بنا بر دیدگاه مشهور، شمار سوره‌های مکی ۸۶ و شمار سوره‌های مدنی ۲۸ سوره است (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۹-۶۰/ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۷۰) ← مقاله جدول ترتیب نزول سوره‌ها؛ در شناسایی آیه‌ها و سوره‌های مکی از مدنی، دو دشواری مهم پیش روی صاحب‌نظران قرار دارد: ۱. اختلاف در برشمردن برخی از سوره‌ها به‌عنوان مکی یا مدنی؛ ۲. اختلاف در استثنای برخی از آیات از سوره‌های مکی یا مدنی؛ اختلاف‌های یادشده گاه بر اثر تعارض روایات بوده و گاه بر اثر اجتهادهای شخصی، پیش‌داوری‌ها یا برخورد ناصواب با روایات متعارض پدید آمده‌اند.

۱-۶. تعارض روایات مکی و مدنی

مهم‌ترین عامل اختلاف در مکی و مدنی دانستن سوره‌ها، تعارض روایات است؛ برای نمونه گروهی از صاحب‌نظران به استناد روایاتی از مجاهد، سوره فاتحه را مدنی دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۱)، در حالی که برابر حدیثی از امیرمؤمنان، علی علیه السلام این سوره مکی است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۷۸)؛ همچنین درباره سوره عادیات، برخی افزون بر استناد به آیه‌های این سوره - که ناظر به پیکار رزمندگان راه خداست - با بیان روایاتی از اهل بیت علیهم السلام (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳۴-۴۳۸) که آن را مربوط به علی علیه السلام در نبرد «ذات السلاسل» دانسته (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۲۲/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۶۶/مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۲۳۹-۲۴۰) و نیز روایاتی از اهل سنت (سیوطی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۸۳)، سوره یادشده را مدنی برشمرده‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۴۵)؛ افزون بر این از امام صادق علیه السلام درباره فضیلت تلاوت سوره عادیات روایتی بازگو شده که با مدنی بودن آن هماهنگ است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۲۱)، در حالی که برابر روایات دیگر که با نظر مشهور سازگار هستند، سوره یادشده مکی به‌شمار آمده است (ر.ک: ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۴۳۸)؛ سوره کوثر نیز به استناد سخن برخی از قرآن‌پژوهان پیشین و نیز روایتی از انس بن مالک - که از حضور خود در مدینه هنگام نزول آن خبر داده - (ابن‌حنبل، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۰۲/ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۲۳) مدنی دانسته شده (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۶)، در حالی که برابر روایات مشهور، آن را جزء سوره‌های مکی برشمرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۵۸/طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۷۰).

۲-۶. اجتهادهای شخصی

در مواردی، تنها اجتهادهای شخصی و گاه استحسان‌های بی‌مبنا باعث بروز اختلاف شده است؛ برای نمونه برخی با استناد به اینکه مراد از «امانات» در آیه ۵۸ سوره نساء، دادن کلید کعبه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به عثمان بن طلحه به جای عباس بن عبدالمطلب در سال فتح مکه است - برخلاف دیدگاه مشهور - سوره نساء را مکی دانسته‌اند؛ حال آنکه با فرض درستی آن، وقوع

مکی و مدنی در تفسیر قرآن (جایگاه و چالش‌ها)

حادثه مزبور پس از هجرت، دلیل بر مدنی بودن سوره است (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۷۹). البته این اختلاف را می‌توان ناشی از تفاوت آرای دانشمندان در تعیین مکان یا زمان به‌عنوان شاخص مکی و مدنی بودن سوره‌ها دانست؛ ازاین‌رو مکی دانستن یک سوره بدان سبب است که در مکه نازل شده؛ هرچند در سال‌های پس از هجرت بوده باشد.

برخی دیگر با استناد به لحن سوره زلزله که در آن از سختی و شدت روز رستاخیز سخن به‌میان آمده تا تنبّه و هشدار برای کافران باشد، آن را مکی دانسته‌اند (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۹۵۴/ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۸۸)؛ زیرا متناسب با فرهنگ حاکم بر اهالی مکه بود که بیشتر آنان مشرک بودند؛ درمقابل نقل شده است که هنگام نزول این سوره، ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ درباره آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (زلزله: ۷-۸) سؤال کرد، درحالی‌که وی در مدینه مسلمانان شده بود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳۰، ص ۲۰۸).

۳-۶. دخالت پیش‌فرض‌ها

در مواردی به‌رغم اینکه گزینه‌هایی مبنی بر مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها به اندازه کافی وجود دارد، اما برخی از پیش‌فرض‌ها در راستای تقویت یا تضعیف دیدگاه‌های فرقه‌ای در ایجاد اختلاف در این زمینه تأثیرگذار بوده است؛ برای مثال بآنکه سوره دهر از نگاه مشهور و منطبق با روایات سبب نزول، آیات میانی آن: «وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» (انسان: ۸ و ۱۲) مدنی است، شماری آن را مکی دانسته‌اند (ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۲۹۲/ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۱۶۶/ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵).

۷. راهکار برون‌رفت از موارد اختلاف

برای برون‌رفت از مواردی همچون تعارض روایات که اختلافات جدی بر سر مکی و مدنی بودن را در پی دارد، از چهار راهکار استفاده شده است:

۱. تکیه بر دیدگاه مشهور و رایج: با توجه به ساختار منسجم و ترجیح روایات مشهور و نیز پذیرفته‌شدن از سوی عموم مسلمانان و اندیشمندان، می‌توان دیدگاه‌های نادر و غیر مشهور را

نادیده انگاشت (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۴).

۲. بهره‌جستن از قرینه‌های داخلی: در مواردی، قرآن‌پژوهان از قراین داخلی موجود در سوره‌ها برای ترجیح روایات یا دیدگاه‌های متعارض استفاده کرده‌اند؛ همچنان‌که جعبری واژه «گلا» در سوره‌های بلد، مطففین و تکاثر را به‌عنوان مرجّحی بر مکی بودن آنها به‌شمار آورده است (همان، ص ۵۶).

۳. بهره‌گیری از دیگر شواهد و مبانی دینی: برای مثال گروهی از صاحب‌نظران سوره فلق و ناس را به دلیل سحر پیامبر ﷺ توسط «عبید بن اعصم» مدنی دانسته‌اند (ر.ک: ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۳۰، ص ۵۴۶)، درحالی‌که بر اساس شواهد قرآنی و مبانی اعتقادی و عقلانی، جادوشدن پیامبر ﷺ از هر نظر مردود است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۶).

۴. قول به نزول دوباره: برخی از صاحب‌نظران در موارد تعارض روایات، به دو بار نزول سوره رأی داده‌اند؛ چنان‌که درباره سوره‌های فاتحه، کوثر و اخلاص گفته شده است که یک بار در مکه و بار دیگر در مدینه نازل شده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۷/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳ و ۱۳ و ۲۰، صص ۱۹۱، ۲۳۴ و ۳۷۰/ موسوی خویی، ۱۳۹۵، ص ۴۱۸)؛ برخی درباره آیاتی همچون «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» (اسراء: ۸۵) نیز به تکرار نزول معتقدند (زركشي، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۰)؛ هرچند این راه‌حل با نقدی جدی مواجه است (بهایی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۱۵۶/ ر.ک: ابوزید، ۲۰۰۰، ص ۸۲-۸۴ ← مقاله اسباب نزول).

۸. اختلاف نظر در استثنای برخی آیات

درباره استثنای برخی آیات از سوره‌های مکی یا مدنی اختلاف‌های فراوانی وجود داشته و حل آنها نیز کاری دشوار به‌نظر می‌رسد؛ با توجه به روایات، پژوهشگران درباره ۱۲۰ آیه با یکدیگر اختلاف نظر دارند؛ ازسویی نیز برخی از قرآن‌پژوهان معاصر، وجود موارد استثناسده در آیات سوره‌های مکی و مدنی را مردود دانسته (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹-۲۵۰/ میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰، ص ۲۹۶) و معتقدند هیچ مستندی برای استثنا وجود نداشته و بی‌تردید، آیات، پس از نزول «بسمله»، یکی پس از دیگری و بر اساس ترتیب طبیعی منطبق با نزول نگاشته

شده‌اند (معرفت، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷). هرچند اگرچه وجود مستثنیات با نظارت پیامبر ﷺ انجام گرفته باشد، این امر با وحیانی بودن چینش آیات، منافاتی ندارد؛ برای حل موارد تعارض نیز بهترین راه، مراجعه به اسباب نزول و مستندات تاریخی است؛ بنابراین استثنای مواردی از آیات از سوره‌های مکی یا مدنی را می‌توان پذیرفت.

۹. شبهه‌های خاورشناسان در تعارض آیات مکی و مدنی و ادعای وحیانی نبودن قرآن

گروهی از خاورشناسان با اشاره به وجه اشتراک اندک سوره‌های مکی و مدنی به لحاظ لحن اندازی آنها، مدعی هستند که تفاوت سوره‌های مکی و مدنی آنچنان زیاد است که نمی‌توان آیه‌های مکی و مدنی را از زاویه دیدی یکسان مورد بررسی قرار داد؛ زیرا محیط و شرایط نزول هر یک متفاوت است (Hirschfeld, 1902, p.102). هرچند این تفاوت، نشانه متناسب بودن آیات قرآن با وضعیت مکانی موارد نزول است، اما شرق‌شناسان کوشیده‌اند تا این‌گونه القا کنند که قرآن متنی زمینی بوده و تولیدی انسانی است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. تعارض در مسئله مدارا و خشونت: در آیات و سوره‌های مکی، ویژگی‌های جامعه‌ای منحط؛ مانند انعطاف‌ناپذیری، خشونت، خشم، تندگویی و تهدید بازتاب یافته و برعکس، در بخش مدنی، نشانه‌های فرهنگ و روشنگری دیده می‌شود؛ شرق‌شناسان برای اثبات این ادعا به سوره‌هایی همچون مسد، عصر و تکاثر استناد جسته‌اند (ر.ک: نولدکه، ۲۰۰۰، ص ۶۸-۷۰ / زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۸ / رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۸ / مقاله‌های تاریخ‌گذاری قرآن؛ جمع قرآن؛ قرآن‌پژوهی خاورشناسان).

لزوم رعایت مقتضای حال مخاطب برای تأثیرگذاری: در پاسخ به این شبهه قرآن‌پژوهان معتقدند که حکمت سخن گفتن تند و شدید در سوره‌های مکی، این است که بیشتر مردم مکه از ستمگران بودند (زرکشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹)؛ از این رو قرآن برای تهدید، سرزنش و زشت شمردن کارهای آنها از واژگان و عبارت‌های تند بهره جسته است؛ به‌طور کلی قرآن

مصلحت و مقتضای حال مخاطبانی را که درصدد اصلاح و تأثیرگذاری بر آنهاست، در نظر می‌گیرد؛ بر همین اساس، قرآن کریم در مکه با مشرکان مجادله و مبارزه کرده و با جمله‌ای سخت به شرک و بت‌پرستی و اقامه دلیل و برهان، ناتوانی و زبونی معبودانشان را به رخ کشیده و زشتی تقلید و سخافت رأی آنان را در پیروی از آیین پدری، سخت به سخره گرفت؛ همچنان‌که عادت‌های زشت جاهلی مانند آدم‌کشی، زنده‌به‌گورکردن دختران، مباح شمردن ناموس دیگران و خوردن مال یتیمان را به سختی به چالش کشید؛ این امر از شیوه‌های مهم تربیتی است که در همه نظام‌های تربیتی - متناسب با اهداف و اهمیت موضوع - به کار رفته و در نظام‌های تربیتی نوین با نام تشویق و تنبیه، اعمال می‌شود.

از نظر همه ادیان ابراهیمی، سعادت و شقاوت ابدی انسان در گرو ایمان و عمل اوست؛ از این رو انذار و تبشیر، چه در آیات مکی و چه در آیات مدنی وجود داشته و اختصاص به آیات مکی ندارد؛ مانند آیات ۳۵ و ۳۶ سوره فصلت که مکی است و آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره آل عمران که مدنی است، ولی به دلیل تفاوت‌های موجود در جامعه مکه و مدینه، انذار و تبشیر با شدت و ضعف همراه شده است (شاکر، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸-۱۷۹).

۲. تعارض در ایجاز و تفصیل آیات و سور مکی و مدنی: دلیل دیگر مستشرقان در اثبات مدعای خود، این است که قرآن مکی، با تأثیرپذیری از جامعه امّی و بی‌سواد مکه و نیز سبک کاهنان و منجمان، دارای نثری مسجع و آیاتی کوتاه است، اما آیات و سوره‌های مدنی قرآن، طولانی هستند (نولدکه، ۲۰۰۰، ص ۷۰-۱۲۸) ← مقاله تاریخ‌گذاری قرآن؛ Watt, 1997, 5, p.416.

دلالیت تنوع ایجازی و تفصیلی آیات بر اعجاز و وحیانی بودن قرآن: قرآن پژوهان در پاسخ به این شبهه معتقدند قرآن اگرچه از نظر اسلوب و سبک بیان، از شیوه‌های گوناگونی بهره گرفته و آیات آن، گاه کوتاه و موزون، برای انذار و تبشیر و گاه بلند و بدون فاصله، برای بیان احکام شریعت است، اما اشتراک آن در اسلوب نیز به گونه‌ای است که در مجموع، آن را از هر کتاب دیگری - حتی احادیث پیامبر ﷺ و معصومان (ع) - متمایز می‌کند؛ همچنان‌که اختلاف آیات و سوره‌های مکی و مدنی از حیث سبک و محتوا، از امتیازات قرآن و بیشتر نشانه وحیانی بودن

آن است؛ چراکه در همه احوال، به مقتضای حال و فضای موجود جامعه سخن گفته و در عین حال از نظر فصاحت و بلاغت، در اوج مانده و به لحاظ محتوا، طرح منسجمی را از یک دین جامع فراهم آورده است (ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۵۱)؛

پاسخ نقضی: افزون بر این این قاعده کلیت نداشته و آیات بلندی را می‌توان در سوره‌های مکی مشاهده کرد (انعام: ۱۶۵/ اعراف: ۲۰۶/ اسراء: ۱۱۱)؛ همچنان که سوره‌های کوتاهی نیز در مدینه نازل شده است (ر.ک: بینه: ۱ و ۸/ زلزله: ۱ و ۸/ نصر: ۱ و ۳/ عنابه: ۷۹ و ۸۰/ مقاله قرآن و فرهنگ زمانه)؛ از همین رو برخی نتیجه گرفته‌اند که نباید بیش از حد بر سبک‌های میان این دو دوره تأکید نمود (Leaman, 2006, p.400).

۳. تعارض در شمول تشریع و عدم آن: دلیل دیگر مستشرقان، این است که قرآن مکی - به سبب حضور در جامعه‌ای بدوی - خالی از تشریع و قانونگذاری است، در حالی که قرآن مدنی - به دلیل حضور در جامعه قانون مند - با وضع و تبیین قوانین و مقررات همراه است (زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۱/ بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۷۰-۱۱۰).

توجه به تدریجی بودن نزول قرآن: در پاسخ، به این نکته اشاره شده است که تدریجی بودن نزول، از ویژگی‌های این کتاب آسمانی است؛ چنان که در خود قرآن نیز به این گونه از نزول و برخی حکمت‌های آن اشاره شده است (فرقان: ۳۲ و ۳۳)؛ وحی قرآنی مانند یک مربی، جامعه نوپای دینی را به رشد و کمال می‌رساند و طبیعی است که در این سیر، شیوه‌های گوناگون و دستورالعمل‌های مختلف، متناسب با وضعیت‌های گوناگون زمانی، مکانی و اجتماعی، به کار گرفته شود؛ از این رو در آغاز دعوت، در برخورد با شرک و جرم‌های بسیار بزرگ، ضمن تأکید بر توحید و نفی جامعه غیرتوحیدی، ضرورت شکل‌گیری نظامی قانون مند که در آن ارتباط فرد، خانواده و جامعه با خدا و طبیعت روشن باشد، آشکار می‌شود (زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۲).

پاسخ نقضی: علاوه بر این، اختصاص داشتن موضوع قانونگذاری به مدینه، با واقعیت ناسازگار است؛ چراکه در آیات مکی نیز به قوانین و احکام شریعت اشاره شده است (انعام: ۱۵۱ و ۱۵۲/ ر.ک: اسراء: ۲۳ و ۳۹/ معرفت، ۱۳۷۵، ص ۵۴).

۴. تعارض در نوع مواجهه با مشرکان و معاندان بر اساس موضع ضعف و قدرت: ویژگی دیگری که درباره تفاوت آیات مکی و مدنی در آثار شرق‌شناسان برای زمینی‌بودن قرآن مورد استناد قرار گرفته، این است که چهره واقعی اسلام در آیات مدنی ظهور و بروز می‌یابد؛ زیرا نزول آیات نخستین (مکی) هنگامی بود که حضرت محمد ﷺ در موضع ضعف قرار داشت و آیات بعد (مدنی) در دوران قدرت ایشان فرستاده شده است؛ از این رو وحی‌های متأخر، آکنده از احکامی است که از مؤمنان می‌خواهد تا با کافران به خشونت رفتار کرده و آنان را هر جا یافتند، بکشند؛ به باور خاورشناسان، همین مسئله باعث شد تا آنان که نسبت به دین اسلام، مظنون یا دشمن‌اند، رویکرد خشونت‌آمیز را دیدگاه واقعی دین معرفی کنند که در زمان ضعف قادر به ابراز آن نبود، اما در زمان اقتدار، آن را ابراز نمود (See: Leaman, 2006, p.401).

اما به گفته نویسنده مقاله «مکی و مدنی» نگاشته‌شده در دانشنامه راتلج، چنین راهبردی برای حمله به اسلام، گمراه‌کننده است؛ زیرا مسلمانان خود معتقد به منسوخ‌بودن آیات مکی نبوده و عمل به دستورهای این آیات را نیز لازم می‌دانند؛ افزون‌براین قرآن یگانه منبع کشف اراده خداوند نیست و در کنار آن، سنت و مجموعه تفکرات فقهی و کلامی از جمله منابع فهم معنای قرآن به‌شمار می‌روند (ibid, p.402).

پاسخ نقضی: ضمن آنکه تصویری که شرق‌شناسان از آیات مدنی ارائه داده‌اند با واقعیت سازگاری ندارد؛ زیرا بسیاری از آیات مدنی نیز بر احترام متقابل، رأفت، مخالفت با تبعیض، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و... دلالت دارد؛ برای نمونه در سوره توبه که در آن به پیکار با مشرکان فرمان داده شده، خداوند تصریح می‌نماید که اگر با مشرکان عهد بسته‌اید و آنان به تعهد خود پایبند هستند، حق تعرض به آنان را ندارید (توبه: ۴ و ۷)؛ اگر آنان امان خواستند به آنان امان داده و ایشان را به جایگاه امنی برسانید (توبه: ۶)؛ چنان‌که از این سوره می‌توان دریافت علت برخورد با مشرکان عهدشکنی آنان است (توبه: ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳)؛ در آیات مدنی دیگر نیز چنین مضامینی را می‌توان یافت (ر.ک: بقره: ۶۲ / مائده: ۶۹ / حجرات: ۶ و ۱۳ / ممتحنه: ۸).

افزون بر آنکه تدریجی‌بودن احکام و اتمام حجت بر مشرکان و معاندان، مسئله‌ای روشن است که می‌تواند سبب به‌کارگیری ادبیاتی سخت‌گیرانه و شدت در آیات قرآنی باشد.

۱۰. فواید شناخت مکی و مدنی

در مورد فوایدی که برای شناخت مکی و مدنی می‌توان بیان کرد موارد ذیل قابل ذکر می‌باشند:

۱. ملاکی برای تشخیص آیات ناسخ: از آنجاکه آیات و سوره‌های مکی زودتر از آیات و سوره‌های مدنی فرود آمده‌اند، از این رو آیه‌های ناسخ ضرورتاً باید در آیات و سوره‌های مدنی یافت شوند و عکس آن ناممکن است؛ از نمونه‌های بارز آن، آیه متعه (نساء: ۲۴) است که بیشتر صاحب‌نظران شیعه معتقدند آیه ۶ سوره مؤمنون به‌سبب تقدم زمانی در نزول و مکی بودن آن نمی‌تواند ناسخ آیه متعه در سوره نساء باشد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۵۸/ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۷۹/ موسوی، ۱۳۷۷، ص ۶۵).

۲. شناخت سیر تدریجی تشریع احکام و تبیین معارف: وجود تدریج در تشریع و اعلام احکام به‌خاطر رعایت وضعیت مخاطبان و فراهم نمودن تدریجی مقدمات صدور حکم نهایی در مواردی همچون نوشیدن شراب یا صلح و سازش و جنگ با کافران، مورد پذیرش بسیاری از صاحب‌نظران است؛ بر اساس این اصل با شناخت مکی از مدنی و توالی نزول سوره‌ها تا اندازه زیادی سیر تدریجی تشریع احکام نیز روشن خواهد شد؛ مانند سیر تدریجی حرمت ربا (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۰۸) و مراحل تحدی قرآن (همان، ج ۱، ص ۵۹).

۳. فهم درست فضای تاریخی نزول آیات: شناخت این امر از راه آیات مکی و مدنی در فهم گستره مفاهیم، تعیین مصداق‌های آیات و در نتیجه پذیرش یا نقد دیدگاه‌های تفسیری ارائه شده از سوی مفسران دارای کارایی زیادی بوده و می‌توان در پی آن، درستی روایات اسباب نزول را مورد بررسی قرار داد؛ برای نمونه در برخی از روایات، مصداقی را در شأن نزول آیات بیان کرده‌اند (رعد: ۴۳/ زمر: ۵۳) که توجه به زمان نزول، این مصداق‌ها را دچار خدشه می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱ و ۱۷، صص ۲۸۵، ۳۸۵ و ۳۸۶).

۴. بهره‌گیری در مباحث کلامی: شناخت دقیق آیات مکی و مدنی سوره‌ها، در استدلال‌های کلامی، به‌ویژه بحث امامت مورد استناد قرار می‌گیرد؛ مانند آیات مدنی که درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است (ر.ک: انسان: ۷ و ۱۲)؛ هرچند برخی برای خدشه در این باره، آن را مکی پنداشته‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۹۷/ سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۷۷).

۵. تأیید تحریف ناپذیری قرآن: شناخت و بیان سوره‌های مکی و مدنی موجب اطمینان به مصون ماندن قرآن از تحریف است؛ زیرا این کار، حاکی از اهتمام و توجه همه‌جانبه مسلمانان است؛ چراکه حتی نزول پیش از هجرت و پس از آن، آیات سفری و حضری، شب و روز، زمستان و تابستان و... را با دقت تمام ثبت کرده و بر آن نظارت داشته‌اند (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۶۰۳).

نتیجه

۱. پژوهش‌های متقدم در بحث مکی و مدنی بر روایات، کوشش برای زدودن تعارض بین آنها و گسترش معیارهای قیاسی در سامان‌دهی آیات مکی و مدنی تکیه دارند اما پژوهشگران معاصر بیش‌تر به رابطه بین مدلول آیات با واقعیت‌های تاریخی در دو دوره مکی و مدنی توجه دارند.

۲. خطاب آیه (اهل مکه یا مدینه)، مکان نزول (مکه و پیرامون آن یا مدینه و پیرامون آن) و زمان نزول آیه (قبل یا بعد از هجرت)، سه ملاک برای تقسیم آیات و سوره‌ها به مکی و مدنی است. ملاک اخیر به خلاف دو ملاک دیگر، مشهور، قابل دفاع و حتی بدیهی محسوب شده است.

۳. روایات، قراین و شواهد تاریخی، نشانه‌های محتوایی مانند مقارنه آیات با یکدیگر، نشانه‌های ساختاری مانند وجود نظم آهنگ خاص و شاخص‌هایی مانند طول متوسط سوره‌ها از منابع معرفی شده برای شناخت سور مکی از مدنی است.

۴. تعارض روایات، اجتهادهای شخصی و پیش‌فرض‌های کلامی و روشی، از عوامل اختلاف در مکی یا مدنی شمردن سوره‌ها است. رویکرد روایت محور و تکیه بر دیدگاه پذیرفته شده و رایج بنابر دیدگاه متقدمان و بهره‌گیری از قراین داخلی و خارجی از نگاه غالب متأخران، از جمله راهکارهای برون رفت از این اختلاف‌هاست.

۵. شرق‌شناسان به استناد تفاوت‌های محتوایی و سبکی آیات مکی و مدنی از جمله ایجاز و تفصیل آیات، وجود یا عدم وجود تشریع، نوع مواجهه با مخالفان در شرایط ضعف مکه و

مکی و مدنی در تفسیر قرآن (جایگاه و چالش‌ها)

قدرت مدینه، مدعی بشری و غیر وحیانی بودن قرآن شده‌اند. اصل تدریجی بودن تشریع، تنوع اسلوب بلاغی و درنظر گرفتن مصلحت و مقتضای حال مخاطبان به منظور اصلاح و تأثیرگذاری بر آنها از جمله پاسخ‌های داده شده به این شبهه‌هاست.

۶. شناخت آیات ناسخ و منسوخ، آگاهی از سیر تدریجی تشریع احکام و تبیین معارف، فهم درست فضای تاریخی نزول آیات، استفاده‌های کلامی و تأیید تحریف‌ناپذیری قرآن، از جمله فواید بحث مکی و مدنی است.

منابع

۱. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق علی عطیه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد بن حنبل؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر والتنویر (تفسیر ابن عاشور تونسلی)؛ بیروت: مؤسسة التاریخ، [بی تا].
۴. ابن عساکر، علی بن حسن؛ تاریخ مدینه دمشق؛ تحقیق علی شیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ السیره النبویه؛ تحقیق مصطفی عبدالواحد؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۶ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)؛ تحقیق محمد حسین شمس الدین؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۷. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث؛ سنن ابی داود؛ تحقیق سعید محمد لحام؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۸. ابوزهره، محمد؛ المعجزة الکبری القرآن؛ تحقیق محمود ذبیحی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۹. ابوزید، نصر حامد؛ مفهوم النص (دراسة فی علوم القرآن)؛ بیروت: المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۰م.
۱۰. امینی، عبدالحسین؛ الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
۱۱. بازرگان، مهدی؛ سیر تحول در قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
۱۲. بغدادی، اسماعیل باشا؛ ایضاح المکنون؛ تحقیق محمد شرف الدین و رفعت بیکه الکلیسی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۳. بلاشر، رژی؛ در آستانه قرآن (المکی والمدنی فی القرآن الکریم)؛ ترجمه محمود رامیار؛

مکی و مدنی در تفسیر قرآن (جایگاه و چالش‌ها)

- قاهره: دار ابن عفان، ۱۴۲۰ق.
۱۴. بهایی، محمد بن حسین؛ مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین؛ قم: انتشارات بصیرتی، [بی تا].
۱۵. حاکم حسکانی، عبید الله بن عبد الله؛ شواهد التنزیل؛ تحقیق محمد باقر محمودی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۶. حجتی، سید محمد باقر؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۷. حسین احمد، عبد الرزاق؛ [بی جا]: الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۸. حکیم، سید محمد باقر؛ علوم القرآن؛ قم: مجمع الفکر، ۱۳۷۴.
۱۹. حیدر، حسن محسن؛ أسباب النزول القرآنی (تاریخ و حقائق)؛ قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیه، ۱۴۲۷ق.
۲۰. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۲۱. زرقانی، محمد عبد العظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۲. زرکشی، محمد بن عبد الله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ دار إحياء الكتب العربیه، ۱۳۷۶ق.
۲۳. زنجانی، ابو عبد الله؛ تاریخ القرآن؛ تهران: منظمه الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۴. سید قطب، قطب بن ابراهیم؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۵. سیوطی، جلال الدین؛ الإیتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق سعید مندوب؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۶. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۴ق.
۲۷. شاکر، محمد کاظم؛ علوم قرآنی؛ قم: انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۸.
۲۸. شرف الدین موسوی، سید عبد الحسین؛ المسائل الفقهیة؛ تهران: منظمه الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۹. صالح، صبحی؛ مباحثی در علوم قرآنی؛ ترجمه محمد علی لسانی فشارکی؛ تهران: نشر احسان، ۱۳۷۹.
۳۰. صغیر، محمد حسینعلی؛ (الف)؛ تاریخ القرآن؛ بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۱. صغیر، محمد حسینعلی؛ (ب)؛ المستشرقون والدراسات القرآنیة؛ بیروت: دار المورخ العربی، ۱۴۲۰ق.

۳۲. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طباطبائی، سید محمد حسین؛ قرآن در اسلام؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۵۳.
۳۴. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر؛ تحقیق حمدی سلفی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق عده‌ای از محققان؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
۳۶. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ تحقیق صدقی جمیل عطار؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۸. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ تحقیق سید محمد کلانتر؛ قم: انتشارات داورى، ۱۴۱۰ق.
۳۹. عطار، داوود؛ موجز علوم القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
۴۰. عنایه، غازی؛ أسباب النزول القرآنی؛ بیروت: دارالجليل، ۱۴۱۱ق.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۲. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی؛ تفسیر الصافی؛ ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی؛ تهران: نشر صفا، ۱۳۶۳.
۴۳. قرطبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تحقیق سید طیب موسوی جزائری؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۴۶. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق محمد باقر بهبودی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۷. معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۸. معرفت، محمد هادی؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۵.

۴۹. مفید، محمد بن محمد؛ الفصول المختارة؛ تحقیق سیدعلی میرشریفی؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالزهراء (س)، ۱۳۹۵ق.
۵۲. مهدوی‌راد، محمدعلی؛ سیر نگارش‌های علوم قرآنی؛ تهران: نشر هستی‌نما، ۱۳۸۴.
۵۳. میرمحمدی زرنندی، سید ابوالفضل؛ بحوث فی تاریخ القرآن و علومه؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق.
۵۴. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن؛ تهران: نشر هستی‌نما، ۱۳۸۰.
۵۵. نولدکه، تیودور؛ تاریخ القرآن؛ تحقیق فریدریش شفالی؛ ترجمه جورج تامر و هیلد سهایم؛ نیویورک: دار نشر جورج المز، ۲۰۰۰م.
۵۶. واحدی، علی بن احمد؛ أسباب النزول؛ ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
57. Adang, Camelia, "Belief and Unbelief", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
58. Hallaq, Waell, "Apostasy", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
59. Hirschfeld, Hartwig, New Researches into the Composition and Exegesis of the Qur'an, London: Royal Asiatic Society, 1902.
60. Hunwick, John O., "African Literature", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
61. Leaman, Oliver, "Meccan and Medinan Suras and the Qur'an", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.
62. Leemhuis, Fredrick, "Apocalypse" Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.

63. Neuwirth, Angelica, "Form and Structures of the Qur'an", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
64. Neuwirth, Angelica, "Sura(s)", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
65. Watt, W. Montgomery, "Al-Kuran", The Encyclopedia of Islam, Eds. Donzel, E. Van Et al., Leiden: Brill, 1997.